



۳
در ذهنم گفتم حالا او
می‌آید اینجا، بلد نیست حرف بزند،
آبروی سپاه می‌رود. واقعا ترسیدم
و دعا کردم.



۴
یک گزارش متین دقیق عالی ارائه داد
که همه دهانشان باز ماند.



۳
او شروع کرد به صحبت و
از بس جزئیات را شناسایی کرده بود،
همه را مهیوت کرد.



۵
من از خوشحالی در عرش
پرواز می‌کردم و کیف کردم. واقعا تا
آن وقت درباره اطلاعات جنگ گزارشی
به این خوبی از هیچکس
نشنیده بودم